

بررسی قاعده غرور در مسئولیت مدنی شهرداری با رویکردی بر نظر حضرت امام خمینی (ره)

محسن حاتم پورآذر خوارانی^۱، احمد رضا توکلی^۲، داود نصیران^۳

چکیده

گسترش وظایف شهرداری‌ها در اجرای طرح‌های عمومی و عمرانی، اغلب به تملک اراضی اشخاص و ورود خسارت به حقوق مالکانه آنان منجر می‌شود. مسئله اساسی آن است که در فرضی که رفتار، اعلام یا ترک فعل شهرداری موجب اعتماد نادرست و فریب مالک گردد، مبنای مسئولیت مدنی این نهاد چیست و آیا می‌توان به قواعد فقهی برای تبیین آن استناد کرد. این پژوهش با تمرکز بر قاعده غرور، قابلیت کاربرد این قاعده در مسئولیت مدنی شهرداری را بررسی می‌کند. سؤال اصلی آن است که آیا از منظر فقه امامیه و به‌ویژه دیدگاه امام خمینی (ره)، شهرداری در صورت تحقق غرور، ضامن جبران خسارات وارده بر مالک است؟ پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه منابع فقهی، حقوقی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بر اساس تحلیل فقهی امام خمینی (ره)، تحقق ارکان غرور تفاوتی میان شخص حقیقی و حقوقی ایجاد نمی‌کند و شهرداری نیز در صورت ایفای نقش غار، ضامن جبران خسارات خواهد بود و قاعده غرور، از منظر امام خمینی (ره)، مبنایی مستقل برای مسئولیت شهرداری فراهم می‌آورد و خلأهای اتلاف و تسبیب را پوشش می‌دهد. این تحقیق، گامی مهم برای بسط مبانی فقهی مسئولیت مدنی نهادهای عمومی و ارتقاء حقوق مالکانه در حوزه شهرداری است.

کلید واژگان: تملک اراضی، شهرداری، ضمان غرور، فریب، مسئولیت مدنی.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

An Examination of the Rule of Ghurur in Municipal Civil Liability with an Emphasis on the Views of Imam Khomeini (RA)

Mohsen Hatampour Azarkhavarani¹, Ahmad Reza Tavakoli², Davoud Nasiran³

Abstract

The expansion of municipal responsibilities in the implementation of public and urban development projects often results in the acquisition of private land and the infringement of property rights. A key issue arises where the conduct, representations, or omissions of a municipality create misleading reliance and deception on the part of the property owner. In such circumstances, determining the legal basis of municipal civil liability and the relevance of jurisprudential principles becomes essential.

This study examines the applicability of the Rule of *Ghurur* (deception) as a foundation for municipal civil liability, with particular emphasis on the jurisprudential views of Imam Khomeini (RA) within Imami jurisprudence. The main research question is whether a municipality, upon the realization of *Ghurur*, bears liability for compensating the damages suffered by the property owner.

Using a descriptive–analytical method and drawing on jurisprudential and legal sources, the findings demonstrate that, according to Imam Khomeini’s analysis, the elements of *Ghurur* apply equally to natural and legal persons. Accordingly, a municipality acting as the deceiver (*Ghar*) is liable for compensation. Moreover, the Rule of *Ghurur* constitutes an independent basis for municipal civil liability, capable of addressing the limitations of *Itlaf* and *Tasbib*.

Keywords: Land acquisition, Municipality, Liability for ghurūr, Deception, Civil liability.

¹ Ph.D. Student, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

² Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
(Corresponding Author)

³ Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

مقدمه

شهرداری به عنوان نهادی عمومی، نقش گسترده‌ای در سامان‌دهی امور شهری، اجرای طرح‌های عمرانی و توسعه فضاهای عمومی ایفا می‌کند. اجرای این وظایف، در بسیاری از موارد مستلزم تملک اراضی و املاک اشخاص است. در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدنی شهرداری عموماً با اتکا به قواعد عمومی مسئولیت مدنی، به‌ویژه ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و مقررات خاص ناظر بر تملک اراضی، تحلیل می‌شود. با این حال، رفتار، تصمیمات یا ترک فعل شهرداری در چارچوب‌های مرسوم اتلاف و تسبیب نمی‌گنجد. مواردی پیش می‌آید که شهرداری نه به صورت مستقیم، بلکه از طریق ایجاد وضعیت گمراه‌کننده، ارائه اطلاعات ناقص، صدور مجوزهای متناقض یا القای اعتماد ناصحیح، موجب ورود ضرر به شهروندان می‌شود. در چنین وضعیتی، تحلیل صرف بر پایه نظریه سنتی تقصیر و قواعد عمومی مسئولیت مدنی، به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی تنوع و پیچیدگی آثار زیان‌بار بوده و عدالت ترمیمی را محقق سازد. از این رو، ضرورت رجوع به مبانی و قواعد فقهی که از انعطاف و ظرفیت بالاتری برای انطباق با مصادیق نوظهور برخوردارند، به‌ویژه قاعده غرور، به شدت احساس می‌شود.

پژوهش حاضر به‌طور خاص با رویکردی فقهی و با محوریت آرای حضرت امام خمینی (ره) نگرش یافته است؛ زیرا تحلیل قاعده غرور در حوزه مسئولیت مدنی شهرداری، صرفاً با نقل کلیات فقهی کفایت نمی‌کند، بلکه نیازمند اتکاء به دیدگاهی است که از یک سو در چارچوب فقه امامیه، واجد انسجام نظری و قدرت استنباطی باشد و از سوی دیگر، امکان تطبیق بر مسائل نوظهور حقوق عمومی و روابط پیچیده نهادهای اداری با شهروندان را فراهم آورد. وجه انتخاب دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در این پژوهش آن است که، افزون بر جایگاه ممتاز فقهی، در بسیاری از مباحث، از جمله قواعد ضمان و مسئولیت، نگاهی پویا، نظام‌مند و متناسب با اقتضائات اداره جامعه اسلامی ارائه کرده‌اند؛ نگاهی که می‌تواند در تبیین مسئولیت نهادهای عمومی، از جمله شهرداری، کارآمدتر از رویکردهای صرفاً سنتی یا محدود به روابط اشخاص حقیقی ظاهر شود. از این رو، تمرکز بر دیدگاه امام خمینی (ره) نه از باب ترجیح غیرمستدل یک نظر فقهی، بلکه به سبب ظرفیت ویژه این دیدگاه در توسعه مبانی فقهی مسئولیت مدنی و قابلیت انطباق آن با ساختارهای نهادی و عمومی حقوق معاصر است.

قاعده غرور از قواعد مهم فقه امامیه است که بر اساس آن، هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث فریب خوردن شخص دیگر بشود و از این رهگذر، ضرر و زیانی متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده ضامن است (محقق داماد، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۱). پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا قاعده غرور قابل اعمال در مسئولیت مدنی شهرداری است و اگر پاسخ مثبت باشد، میزان و قلمرو تعهدات حقوقی این نهاد بر اساس این قاعده چگونه است؟ پاسخ به این سؤال از طریق تطبیق مواد فقهی بر مصادیق حقوقی مسئولیت مدنی شهرداری می‌تواند گامی

مؤثر در تحقق عدالت اجتماعی و حمایت از مالکیت خصوصی باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه منابع فقهی و حقوقی انجام شده است.

۱. پیشینه

حوزه و قلمرو پیشینه تحقیق حاضر بر بررسی قاعده غرور در فقه امامیه و حقوق اسلامی تمرکز دارد، با تأکید بر کاربرد آن در مسئولیت مدنی نهادهای عمومی مانند شهرداری، و رویکرد فقهی امام خمینی (ره) به این قاعده و قواعد مرتبط مانند الخراج بالضمن. این قلمرو شامل منابع اصلی فقهی، حقوقی و تطبیقی است که مبانی، اعتبار، موانع و آثار قاعده غرور را تحلیل کرده‌اند، و همچنین مطالعاتی که مسئولیت مدنی شهرداری را در چارچوب قواعد فقهی و قانونی ایران بررسی نموده‌اند. منابع شناسایی شده بر اساس محتوای اصلی و رویکرد تحقیق حاضر دسته‌بندی شده‌اند. معیار دسته‌بندی، تمرکز بر جنبه‌های فقهی کلی، کاربرد حقوقی در مسئولیت مدنی، مسئولیت نهادهای عمومی، و رویکرد خاص امام خمینی (ره) است، تا نشان دهد چگونه این مطالعات پایه‌ای برای تحلیل قاعده غرور در مسئولیت مدنی شهرداری فراهم می‌کنند، اما فاقد تمرکز مستقیم بر پیوند این قاعده با اقدامات شهرداری و دیدگاه امام خمینی (ره) هستند.

۱-۱. مطالعات فقهی کلی در مورد مبانی، اعتبار و موانع قاعده غرور

این دسته شامل منابعی است که قاعده غرور را به عنوان یک قاعده فقهی در ضمان و جبران خسارت بررسی کرده‌اند، با تمرکز بر روایات امامیه، اعتبار سندی و دلالتی، و ارتباط آن با قواعد دیگر مانند اتلاف و تسبیب. اسدی (۱۳۹۹) «بررسی موانع استناد به قاعده غرور و تحلیلی بر دلایل و مبانی اعتبار قاعده غرور» دلایل اعتبار آن را بررسی نموده، و سرخه (۱۴۰۱) «اصول و مبانی کلی اعتبار قاعده غرور» اصول کلی اعتبار قاعده را از دیدگاه فقهی و حقوقی تبیین می‌کند. این مطالعات پایه فقهی محکمی برای درک غرور فراهم می‌کنند، اما عمدتاً توصیفی هستند و به کاربرد عملی در مسئولیت نهادهای عمومی نمی‌پردازند.

۲-۱. کاربرد قاعده غرور در مسئولیت مدنی و روابط حقوقی

این دسته بر تطبیق غرور با مفاهیم حقوقی مانند تقصیر، تدلیس و ضمان تمرکز دارد. دهقان دهنوی و سلطانی (۱۳۹۷) تحلیل حقوقی ضمان غرور را ارائه می‌دهند. میرهاشمی (۱۳۹۱) غرور و تدلیس را در پرتو وحدت قواعد مسئولیت تحلیل می‌کند و آن را به عنوان مبنای جبران خسارت معرفی می‌نماید. این منابع غرور را به عنوان ابزار مسئولیت مدنی تبیین می‌کنند، اما فاقد تمرکز بر نهادهای عمومی هستند.

۳-۱. مسئولیت مدنی شهرداری و نهادهای عمومی در چارچوب قواعد فقهی و قانونی

این دسته مطالعاتی را شامل می‌شود که مسئولیت مدنی شهرداری را در اجرای طرح‌های عمومی و جبران خسارت بررسی کرده‌اند، با پیوند به قواعد فقهی مانند ضمان و لا ضرر. شکری و زارع (۱۳۹۵) «مسئولیت مدنی شهرداری در برابر شهروندان» مسئولیت مدنی شهرداری را تحلیل می‌کنند و بر تقصیر در اعمال حاکمیتی تمرکز دارند. یوسفی طهارم و همکاران (۱۴۰۰) «مسئولیت مدنی شهرداری ناشی از عدم انجام وظایف و تکالیف قانونی»، مسئولیت ناشی از ترک فعل شهرداری را بررسی نموده و حدود ضمان آن را مشخص می‌کنند. غمامی (۱۳۹۹) «اصول و سازوکارهای قانونی تملک قهری جهت اجرای طرح‌های عمومی» اصول قانونی تملک قهری برای طرح‌های عمومی را تحلیل می‌کنند، و ادیب و همکاران (۱۳۹۹) «تحدید مالکیت خصوصی در اجرای طرح‌های عمومی و جبران خسارات ناشی از آن در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، تحدید مالکیت خصوصی در اجرای طرح‌های عمومی و جبران خسارات را در حقوق ایران و انگلیس مقایسه می‌نمایند. این مطالعات مسئولیت شهرداری را در زمینه‌های عملی مانند تملک اراضی برجسته می‌سازند، اما غرور را به عنوان مبنای فقهی مستقیم وارد نکرده‌اند.

ارزیابی پیشینه نشان می‌دهد که نقاط قوت تحلیل عمیق فقهی و کاربرد حقوقی غرور است، که پایه محکمی برای مطالعات تطبیقی فراهم می‌کند. با این حال، نقاط ضعفی مانند تمرکز بیش از حد بر جنبه‌های کلی فقهی بدون پیوند عملی به نهادهای عمومی، و عدم بررسی مستقیم رویکرد امام خمینی (ره) به غرور در مسئولیت شهرداری، مشاهده می‌شود. نقاط خلأ اصلی عبارتند از: عدم ادغام قاعده غرور با مسئولیت مدنی شهرداری در اجرای طرح‌های عمومی و غفلت از دیدگاه امام خمینی (ره) در ارتباط غرور به عنوان مبنای ضمان نهادهای عمومی. جایگاه تحقیق حاضر بر کردن این خلأها از طریق بررسی قاعده غرور در چارچوب مسئولیت مدنی شهرداری است، با تمرکز بر رویکرد امام خمینی (ره) که غرور را عامل ضمان در روابط اجتماعی می‌داند. نوآوری‌های تحقیق شامل تحلیل تطبیقی قاعده غرور با قاعده الخراج بالضمن در دیدگاه امام، کاربرد عملی آن در موارد شهرداری مانند تملک اراضی، و پیشنهاد سیاست‌های حقوقی برای جبران خسارت است که نسبت به پیشینه موجود، رویکردی نوین و کاربردی ارائه می‌دهد.

۲. مفهوم و معنای غرور

«غرور» در لغت به مفهوم باطل و آراستن خطا است به طوری که گمان می‌رود درست است و «غرور» به هر چیزی که انسان را فریب دهد از قبیل مال، مقام شهوت و شیطان گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۹۹۶، ج ۵، ص. ۱۴) و در اصطلاح هر چیزی است که ظاهری فریبنده و خوشایند و باطنی ناخوشایند و مجهول دارد و بیع غرر هم از همین قبیل است یعنی بیعی که ظاهری فریبنده و باطنی مجهول دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۳۷۱).

غرور با خدعه معنی نزدیکی دارد؛ ولی برخی معتقدند که خدعه صرف مخفی نگه داشتن حقیقت و واقعیت از فرد و او را در ابهام نهادن است؛ لکن غرور ابهامی است که انسان را وادار به انجام کاری به ضرر خود می‌کند. مثلاً سراب را آب می‌پندارد و موجودی آب خود را مصرف می‌کند و بعد از تشنگی هلاک می‌گردد. البته این دو واژه گاهی به جای یکدیگر نیز بکار می‌روند (عسکری، ۱۳۵۳، ص. ۱۸۸).

تغییر ممکن است از جانب مشتری نسبت به بایع محقق گردد، یا برعکس و یا از جانب دلال نسبت به یکی از آنها؛ ولی تغیر اجنبی و شخص ثالث نسبت به آنها اعتبار و تأثیری ندارد (الاتاسی، ۱۹۳۱، ص. ۲۵) در نزد فقیهان امامیه غرور عبارت است از اینکه فرد در نتیجه فریب خوردن از دیگری، کاری انجام دهد که موجب متضرر شدن خودش یا دیگری گردد (بجنوردی، ۱۳۷۹، ص. ۶۹).

۲-۱. تعریف قاعده غرور

فقه‌ها قاعده غرور را این‌گونه تعریف کرده‌اند: اینکه شخصی کاری انجام دهد که موجب ورود ضرر به دیگری شود و متضرر شدن شخص دوم به سبب فریب خوردن وی از شخص اول باشد، هرچند شخص اول قصد فریب نداشته و خود نیز فریب‌خورده یا ناآگاه و در اشتباه بوده باشد (بجنوردی، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۵) هرکس طرف خود را فریب دهد، فریب‌دهنده نسبت به آنچه شخص فریب‌خورده متحمل غرامت گردد، ضامن است (میرفتاح مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ص. ۳۲۳) هرگاه کسی شخصی دیگر را فریب دهد و در نتیجه موجب تلف مالی از او گردد باید از عهده ضرر شخصی که فریب‌خورده برآید (شهابی، ۱۳۴۱، ص. ۹۳).

۲-۲. مدلول و مستندات قاعده غرور

مورد مسلم قاعده غرور، جایی است که غار عالم به نتیجه عمل خود باشد، یعنی بداند که فعل او موجب فریب و زیان مغرور می‌شود. اما در مواردی که غار جاهل یا در اشتباه است، اختلاف نظر وجود دارد. چهار حالت ممکن از حیث علم و جهل غار و مغرور وجود دارد:

۱. هر دو عالم باشند: این مورد خارج از قاعده غرور است، زیرا غرور مستلزم جهل مغرور است.

۲. مغرور عالم و غار جاهل باشد: این مورد نیز مشمول قاعده نیست، زیرا مغرور باید جاهل باشد. اگر مغرور عالماً عامداً اقدامی زیان‌بار انجام دهد، ضمان غار منتفی است.

۳. مغرور جاهل و غار عالم باشد: این مصداق بارز قاعده غرور است و ضمان غار قطعی است.

۴. هر دو جاهل باشند: در این حالت، فقها اختلاف نظر دارند. برخی غار جاهل را بری‌الذمه می‌دانند، زیرا غرور مستلزم خدعه و تدلیس است و در مورد جاهل صدق نمی‌کند. اما گروه دیگر، که نظرشان قابل توجیه‌تر است، معتقدند

صدق عنوان غرور نیازی به علم ندارد (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۰، ص. ۲۳۷) همان گونه که ضارب بدون قصد زدن، ضارب محسوب می شود، در غرور نیز کافی است که شخصی دیگری را به عملی زیان بار ترغیب کند، حتی اگر جاهل به ضرر باشد.

در تحلیل این حالت ها، فرض های مختلف آگاهی یا جهل غار به شرح زیر بررسی می شوند:

- غار عالم به واقع و دارای قصد فریب: اگر غار نسبت به واقعیت آگاه و دارای قصد تدلیس باشد، و مغرور در نتیجه فریب بخورد، تردیدی در تحقق عنوان فریبکار و مسئولیت او نیست.
 - غار عالم به واقع، اما بدون تأثیر در اعتقاد مغرور: اگر غار عالم به واقع و دارای قصد فریب باشد، اما اقدام او در مغرور مؤثر نباشد (مثلاً مغرور از جای دیگری بداند که مال متعلق به دیگری است و با این حال تصرف کند)، آیا تدلیس محقق شده است؟ از یک سو می توان گفت چون غار قصد فریب داشته، غرور تحقق یافته است؛ اما از سوی دیگر، چون مغرور خودش فریب خورده، مسئول خسارت است و غرور محقق نشده. به نظر می رسد تفاوت وجود دارد بین موردی که اقدام غار طوری است که اگر مغرور عالم نبود، او را فریب می داد (در این حالت غرور محقق می شود) و موردی که این گونه نیست، زیرا صدق عرفی غرور وابسته به تأثیر اقدام غار است.
 - غار عالم به واقع، اما بدون قصد فریب: اگر غار عالم به واقع باشد، اما قصد فریب نداشته باشد و اقدام او موجب فریب مغرور گردد، غرور تحقق می یابد.
 - غار جاهل به واقع: اگر غار نسبت به واقع نا آگاه باشد (مثلاً تصور کند مال خودش را به دیگری می دهد، اما متعلق به شخص ثالث باشد؛ یا تصور کند وکالت یا اذن دارد، اما در واقع خلاف آن باشد)، آیا فریب دادن محقق شده است؟ احتمال قوی تر این است که غرور محقق می گردد، زیرا عمل او مخاطب را فریفته است، حتی اگر خود غار نیز آگاه نبوده باشد. فریب خوردن غار از خودش، منافاتی با فریب دادن شخص ثالث ندارد، هر چند صدق مفهوم غرور در اینجا چندان برجسته نیست (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۴۱).
- برخی از فقیهان در بحث از این موضوع نقش علم و جهل فریب دهنده در تحقق غرور، به درستی بین دو مرحله تمایز قائل شده اند (بجنوردی، ۱۳۷۹، ص. ۲۷۹). یکی صدق عرفی عنوان «غرور» و «تغیر» و دیگری ثبوت حکم غرور (لزوم جبران خسارت). زیرا ممکن است موردی مصداق عرفی عنوان موضوع حکمی باشد، اما به دلیل قرینه متصل یا منفصل، از شمول حکم خارج شود. بنابراین، ملازمه ای بین مصداق عرفی عنوان و ثبوت حکم وجود ندارد، هر چند خروج از موضوع مستلزم خروج از حکم است (دیلمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۴۸).

در فرض جاهل بودن غار (فرض چهارم که مورد بحث و اختلاف جدی قرار گرفته است)، ابتدا باید مشخص شود که آیا عنوان «غرور» عرفاً صدق می‌کند؟ پاسخ به این بستگی دارد که آیا در صدق عرفی عناوین افعال، قصد و نیت فاعل دخیل است یا خیر؟ نظر عمومی آن است که برای صدق عرفی عناوین، قصد فاعل لازم نیست؛ صدق عناوین عرفی تنها نیازمند عنصر عینی است و نیازی به عنصر ذهنی ندارد، مگر در عناوین قصدی خاص (مانند احترام گذاشتن). عنوان «تغیر» و «غرور» از عناوین غیرقصدی است؛ بنابراین، کسی که موجب شود دیگری از روی جهل یا توهم نفع، دست به کاری زیان‌بار بزند، عرفاً فریب‌کار محسوب می‌شود، حتی اگر قصد فریب یا آگاهی از آن را نداشته باشد (بجنوردی، ۱۳۷۹، ص. ۲۷۹).

در حقوق اسلامی، بر خلاف نظریه تقصیر در حقوق غرب، نظریه خطر حاکم است. برای مسئولیت، استناد فعل زیان‌بار به زیان‌زننده کافی است و تقصیر تنها در مواردی که برای احراز استناد لازم باشد، نقش دارد. در قاعده غرور، رابطه عرفی میان فعل مسبب و زیان کافی است و تقصیر شرط نیست. اگر حدیث نبوی «المغرور یرجع إلی من غره» را مدرک قاعده بدانیم، تفاوتی بین غار جاهل و عالم نیست. از منظر تسبیب نیز، چون سبب (غار) اقوی از مباشر (مغرور) است، جهل یا علم سبب تأثیری در حکم ندارد (محقق داماد، ۱۳۹۷، ص. ۲۲۱).

امام خمینی (ره) غرور و فریب را محور اصلی قاعده می‌داند و مستند کردن ضمان غرور به قواعد لاضرر و اتلاف را ناصحیح می‌شمارد. به نظر ایشان، پیش از اتلاف و ضرر، غرور (به عنوان حالت روحی) تحقق می‌یابد و بر آن‌ها تقدم زمانی و رتبه‌ای دارد (خمینی، ۱۴۱۵ق، ص. ۳۳۴). مثلاً در فروش مال دیگری بدون پیامد دیگر که از روی خدعه انجام گیرد، عنوان غرور صدق می‌کند، اما اتلاف و اضرار صدق نمی‌کند. این استنباط، قاعده غرور را قاعده‌ای مستقل با عنوان ویژه می‌داند و از تلقی آن به عنوان مصداقی خاص از قواعد دیگر جلوگیری می‌کند. این نکته مهم، در منابع و نظرهای دیگران کمتر دیده می‌شود و تفسیر قاعده باید با ملاحظه استقلال آن همراه باشد (صفری، ۱۳۷۷، ص. ۴۷).

در خصوص مستندات قاعده غرور می‌توان گفت هرچند برخی از فقیهان آن را از فروع قواعدی مانند لاضرر، اتلاف یا تسبیب می‌دانند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۲۴) اما اکثریت فقها آن را قاعده‌ای مستقل تلقی کرده و مستندات مستقلی برای آن ارائه داده‌اند. برای اثبات حجیت قاعده غرور به پاره‌ای از روایات، بنای عقلا، اجماع، ادله قاعده تسبیب، قاعده لاضرر استناد شده است. و از نظر امام خمینی (ره)، قاعده غرور به عنوان یک اصل فقهی جداگانه شناخته می‌شود و نمی‌توان آن را زیرمجموعه قواعد دیگری مانند لاضرر، اتلاف یا تسبیب دانست؛ زیرا رابطه میان این قواعد از نوع تضاد یا تفاوت ماهوی است و نمی‌توان یکی را مبنای دیگری قرار داد. ایشان تأکید دارند که اگر بخواهیم غرور را به این قواعد ارجاع دهیم، باید تساوی کامل وجود داشته باشد، در حالی که چنین نیست و در نتیجه، باید غرور را از راه‌های دیگری اثبات کرد (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص. ۴۴۹).

۲-۳. عناصر غرور

در بررسی منابع فقهی ذکر سه عنصر مادی برای قاعده مورد بحث ملاحظه می‌گردد: (۱) عمل خدعه آمیز (۲) ورود ضرر (۳) رابطه سببیت.

۲-۳-۱. عمل خدعه آمیز

برای تعیین مسئولیت حقوقی هر فرد، در ساده‌ترین حالت، باید به فعل یا ترک فعلی از سوی او استناد کرد. این موضوع در فقه نیز مورد تأکید قرار دارد، زیرا این علم اساساً به رفتار یا خودداری از رفتار افراد مکلف مرتبط است و قواعد فقهی از این اصل مستثنی نیستند.

عمل فریبکارانه، که در فقه تحت عنوان «غرور» بررسی می‌شود، می‌تواند به صورت یک فعل حقوقی یا مادی بروز یابد. محقق ثانی یکی از نمونه‌های این عمل را عدم اطلاع‌رسانی درباره فضولی بودن عقد دانسته است، که خود نوعی خدعه محسوب می‌شود (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۹۳). برخی فقها مصادیق دیگری را نیز برشمرده‌اند، از جمله انجام هرگونه معامله بر روی معامله فضولی، یا ادعای داشتن اذن از سوی شخص دیگر معامله نماید. همچنین، ادعای وکالت از طرف زوج یا زوجه در عقد نکاح و شهادت کذب نیز از دیگر مصادیق عمل فریبکارانه به شمار می‌روند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص. ۳۳۴).

عمل فریبکارانه، علاوه بر جنبه حقوقی، می‌تواند ماهیتی مادی و غیرحقوقی داشته باشد. برای مثال، اگر شخصی غذایی را که متعلق به او نیست و حق تصرف در آن ندارد به دیگری عرضه کند و آن شخص به دلیل ناآگاهی آنرا مصرف کند، این عمل مصداق خدعه مادی است (محمدی، ۱۳۸۵، ص. ۸۲).

۲-۳-۲. ورود ضرر

یکی از عناصر کلیدی قاعده غرور که محل اختلاف نظر میان فقهاست، «ورود ضرر» به عنوان شرط تحقق ضمان می‌باشد. در این خصوص دو دیدگاه اصلی وجود دارد:

دیدگاه اول (ضرر محور): گروهی از فقها بر این باورند که ورود ضرر، رکن اساسی تحقق ضمان غرور است. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرمایند: «الغرور لا یتحقق بدون الضرر» (غرور بدون ضرر محقق نمی‌شود) (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص. ۳۶۴). ایشان با ذکر مثال اجاره خانه‌ای که بعداً مشخص شود متعلق به خود مستأجر است، تأکید می‌کنند که در صورت فقدان خسارت، قاعده غرور قابل اعمال نیست (همان، صص ۳۳۷-۳۳۸). خوئی (۱۴۱۲، ج ۱۶، ص. ۱۲۰) و نجفی (۱۴۰۴، ج ۳۷، ص. ۳۶) نیز بر همین دیدگاه‌اند.

دیدگاه دوم (فریب محور): در مقابل، گروهی از فقها فریب را به تنهایی مبنای ضمان دانسته و ورود ضرر را شرط نمی‌دانند. صاحب عناوین معتقد است صرف فعل فریب‌آمیز (حتی بدون علم و قصد) موجب ضمان است (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۲۹، ج ۲، ص. ۴۴۱). شیخ انصاری (۱۳۶۶، ص. ۱۴۶) نیز بناء عقلا را بر این می‌داند که فریب‌دهنده مسئول است، خواه ضرر بالفعل محقق شده باشد یا نه.

دیدگاه برگزیده: با توجه به رویکرد امام خمینی (ره) که غرور را قاعده‌ای مستقل می‌داند، به نظر می‌رسد برای تحقق ضمان غرور، اثبات ضرر (مادی یا معنوی) ضروری است. در مسئولیت مدنی شهرداری، ضرر وارده به شهروند مغرور می‌تواند شامل هزینه‌های ساخت‌وساز انجام‌شده، کاهش ارزش ملک، از دست رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری و حتی خسارات معنوی باشد. بنابراین، هرچند در خصوص لزوم ضرر میان فقها اختلاف نظر وجود دارد، دیدگاه مشهور فقهای متأخر و حقوقدانان معاصر بر لزوم ورود ضرر استوار است.

۲-۳-۳. رابطه سببیت (میان عمل خدعه‌آمیز و ورود ضرر)

صرف انجام عمل فریبکارانه برای ایجاد مسئولیت فریب‌دهنده کافی نیست. همچنین، حتی بر اساس دیدگاهی که قاعده غرور را مبتنی بر ورود ضرر می‌داند، تحمل زیان توسط مغرور به تنهایی برای ایجاد ضمان فریب‌دهنده کفایت نمی‌کند. بنابراین، برای احراز مسئولیت فریب‌دهنده، وجود رابطه سببیت باید اثبات شود. این رابطه در تعاریف قاعده غرور ذکر شده و اگرچه تعاریف در برخی عناصر اختلاف دارند، در لزوم رابطه سببیت هم‌رأی هستند. برخی فقهای معاصر رابطه سببیت مصطلح را نپذیرفته و عمل خدعه‌آمیز را صرفاً زمینه‌ساز یا مقدمه ورود ضرر می‌دانند (امام‌خمینی، ۱۳۹۲، ص. ۳۵۳). گروهی دیگر، ضمن تمایز بین قاعده تسبیب و غرور، نوعی سببیت خاص برای غرور قبول دارند که با مفهوم سبب در ضمان‌های قهری متفاوت است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ص. ۲۹۴). به نظر می‌رسد دیدگاه دقیق‌تر آن است که عمل خدعه‌آمیز را تنها مقدمه‌ای برای ورود خسارت به مغرور تلقی کنیم، نه لزوماً سبب مستقیم آن (صفری، ۱۳۷۷، ص ۷۵).

۲-۳-۳-۱. رابطه سببیت میان عمل خدعه‌آمیز و اقدام فریب‌خورده

رابطه سببیت بین عمل خدعه‌آمیز و اقدام فریب‌خورده به صراحت و مستقل از رابطه سببیت قبلی در متون فقهی مورد بحث قرار گرفته است. در کتاب البیع، نویسنده ضمن رد لزوم رابطه سببیت مستقیم با ورود ضرر، بر رابطه با اقدام فریب‌خورده تأکید می‌کند: رجوع مجاز است اگر خدعه در اقدام مغرور دخالت داشته باشد، مانند دعوت به عمل، جلوه دادن آن به صورت مثبت، یا پنهان کردن عیب (مانند تدلیس)؛ اما اگر انگیزه مستقل باشد و خدعه تأثیری نداشته باشد، حتی با اطلاع از واقعیت، اقدام صورت گیرد، از شمول قاعده خارج است (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ص. ۳۳۷).

۳. مسئولیت مدنی شهرداری

اصطلاح مسئولیت مدنی در زبان حقوقی کنونی، نمایانگر مجموع قواعدی است که واردکننده زیان را به جبران خسارت زیان دیده ملزم می‌سازد؛ از دیدگاه دیگر، در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، گفته می‌شود در برابر او مسئولیت مدنی دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص. ۳۴).

مسئولیت مدنی به معنای اعم، الزام به جبران خسارت است، اعم از اینکه منشأ آن عمل حقوقی، واقعه حقوقی یا قانون باشد. مسئولیت مدنی به معنای خاص، وظیفه حقوقی فرد در برابر دیگری برای تسلیم مال یا انجام عملی است که از قرارداد ناشی نشده، یا وظیفه جبران خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل که مستقیماً از عمل مادی و قانون برمی‌خیزد. این مسئولیت شامل مسئولیت‌های قهری است که بدون قرارداد حاصل می‌شود و به آن الزامات خارج از قرارداد یا ضمان قهری گویند.

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدنی شهرداری به‌عنوان شخص حقوقی عمومی، بر پایه قواعد کلی مسئولیت مدنی و مقررات خاص مانند قانون شهرداری‌ها و قانون مسئولیت مدنی استوار است.

شهرداری در راستای اهداف خود، به اجرای طرح‌های عمومی می‌پردازد. اجرای طرح‌های عمومی در راستای نفع جامعه است که در بسیاری موارد با حقوق مالکانه اشخاص برخورد دارد (بهشتیان، ۱۳۹۰، ص. ۲۳). زیرا از یک سو، برای اجرای این طرح‌ها باید از زمین‌های متعلق به افرادی که اراضی‌شان در طرح واقع شده استفاده شود و از سوی دیگر، مطابق اصول ۲۲ و ۳۷ قانون اساسی و ماده ۳۱ قانون مدنی، مالکیت و حقوق افراد بر اموال خویش دائمی، مطلق و منحصر به مالک است و نمی‌توان در مال غیر تصرف کرد یا کسی را مجبور به فروش مال خویش نمود. شهرداری متعهد به انجام تعهداتی است که به موجب قرارداد یا حکم قانون برعهده دارد. در صورت تخلف از این تعهدات و ورود ضرر به مالکان و صاحبان حقوق، شهرداری موظف است نسبت به جبران خسارت به شیوه‌های ممکن اقدام نماید. تراحم انجام وظیفه شهرداری با حقوق مالکانه اشخاص موجب شده که یکی از بالاترین آمارهای اقامه دعوا علیه شهرداری‌ها باشد و مصادیق خسارات وارد شده از سوی شهرداری به اشخاص نیز از حیث تنوع روزبه‌روز افزایش یابد.

شهرداری در اجرای وظایف کلی و ویژه خود ممکن است گونه‌های مختلفی از مسئولیت را متحمل شود. اقداماتی در عرصه‌هایی چون اجرای قوانین و مقررات شهری، مسئولیت ناشی از مالکیت معابر و بناها، و اقدام به تملک قانونی اراضی و ابنیه، از جمله مواردی است که می‌تواند موجب ایجاد مسئولیت برای این نهاد شود.

۳-۱. مبنای قانونی مسئولیت مدنی شهرداری

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ایران، با حفظ تمایز میان اعمال حاکمیتی و تصدی، چارچوبی برای مسئولیت مدنی کارمندان شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته ارائه می‌دهد. بر اساس این ماده، اگر کارمندان شهرداری در حین انجام وظیفه به صورت عمدی یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی وارد کنند، خود کارمند شخصاً مسئول جبران است؛ اما اگر خسارت ناشی از نقص وسایل یا تجهیزات تحت مدیریت شهرداری باشد، مسئولیت بر عهده شهرداری قرار می‌گیرد.

همچنین این ماده مقرر می‌دارد که در اعمال حاکمیتی، اگر اقدامات قانونی برای تأمین منافع عمومی انجام شود و به زیان اشخاص منجر گردد، دولت یا شهرداری تعهدی به جبران خسارت ندارند. این معافیت مبتنی بر این فرض است که اعمال حاکمیتی در راستای منافع عمومی انجام می‌شود و زیان‌دیدگان ناگزیر از تحمل آثار آن هستند.

یکی از انتقادات اساسی به ماده ۱۱، تأکید آن بر لزوم اثبات تقصیر برای تحمیل مسئولیت به شهرداری است. اثبات تقصیر یک نهاد حقوقی مانند شهرداری، به دلیل ماهیت پیچیده و غیرشخصی آن، برای زیان‌دیدگان دشوار است (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۳۸) و می‌تواند به ناعادلانه بودن فرآیند جبران خسارت منجر شود. در نتیجه، ماده ۱۱ مسئولیت شهرداری را در اعمال تصدی به اثبات تقصیر منوط کرده و در اعمال حاکمیتی، اصولاً آن را از مسئولیت معاف می‌داند. با این حال، دشواری‌های اثبات تقصیر و محدودیت‌های این ماده، ضرورت بازنگری در چارچوب حقوقی مسئولیت مدنی شهرداری را آشکار می‌سازد. همانگونه که بیان شد ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، به دلیل منوط کردن مسئولیت شهرداری به اثبات تقصیر و معافیت آن در اعمال حاکمیتی، حمایت کافی از شهروندان را به عمل نمی‌آورد. در نقد این وضعیت، باید گفت شهرداری به عنوان مؤسسه عمومی، اگرچه مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی مسئول جبران زیان‌های ناشی از تقصیر اداری است، اما اثبات تقصیر برای زیان‌دیده دشوار است. در موارد تقصیر شخصی کارمند، مسئولیت اولیه با کارمند است؛ اما برخی حقوقدانان معتقدند شهرداری نیز به دلیل نظارت ناکافی مسئولیت تضامنی دارد و می‌تواند پس از جبران خسارت، به کارمند رجوع کند. با این حال، این رویکرد نیز کاستی‌های یادشده را برطرف نمی‌سازد و ضرورت بازنگری در مبانی مسئولیت مدنی شهرداری، از جمله از طریق قاعده غرور، همچنان باقی است.

۳-۲. مبانی فقهی تسری قاعده غرور به اشخاص حقوقی و نهادهای عمومی در پرتو دیدگاه امام خمینی(ره)

در منابع فقه اسلامی، موضوع مسئولیت حقوقی نهادهای عمومی همچون شهرداری به صورت جداگانه و مستقل بررسی نشده و بیشتر به اصول کلی ضمان اشاره دارد. با این وجود، در موقعیت‌هایی که زیان بدون اشتباه رخ می‌دهد یا از اجرای برنامه‌های عمومی (مانند طرح‌های عمرانی شهرداری) ناشی می‌شود و اثبات خطا دشوار است،

قواعد عمومی مسئولیت حقوقی برای جبران آسیب‌های وارد شده به شهروندان کارآمد نیست. بنابراین، نیاز به یافتن پایه‌ای مستقل برای مسئولیت حقوقی شهرداری از منابع فقهی احساس می‌شود. قاعده «الخراج بالضمان» بر پایه نگرش امام خمینی (ره) می‌تواند به‌عنوان بنیانی برای مسئولیت حقوقی شهرداری و سایر نهادهای عمومی پیشنهاد شود (زیرک باروقی، ۱۳۹۵، ص. ۵). بر اساس این قاعده، حکومت اسلامی در قبال منابع مالی‌ای که از مردم دریافت می‌کند، مسئول تأمین مصالح عمومی و رفع نیازهای جامعه است. از همین رو، شهروندان نیز حق دارند از حاکمیت مطالبه انجام این تعهدات را داشته باشند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص. ۶۱۷).

۳-۲-۱. اصل برابری شهروندان در تحمل هزینه‌های عمومی

بر اساس تحلیل ارائه‌شده از این قاعده، اگر اقدامات شهرداری در راستای تأمین منافع عمومی موجب ورود زیان به برخی افراد شود، عدالت اقتضا می‌کند که هزینه این زیان تنها بر دوش زیان‌دیدگان باقی نماند. در چنین شرایطی، اصل برابری شهروندان در تحمل هزینه‌های عمومی اقتضا می‌کند که خسارات ناشی از اقدامات عمومی میان جامعه توزیع شود. به بیان دیگر، نهادهای عمومی که به نمایندگی از جامعه اقدام می‌کنند، باید جبران زیان‌های ناشی از این اقدامات را نیز بر عهده گیرند و هزینه آن را از طریق منابع عمومی تأمین نمایند (زیرک باروقی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵). این دیدگاه مبنایی برای حمایت از افراد زیان‌دیده در برابر اقدامات شهرداری و نهادهای وابسته به آن فراهم می‌آورد.

۳-۲-۲. تسری قاعده غرور به نهادهای عمومی

در کنار قاعده الخراج بالضمان، می‌توان از ظرفیت قاعده غرور در فقه امامیه نیز برای تحلیل مسئولیت نهادهای عمومی استفاده کرد. بر اساس این قاعده، هرگاه شخصی دیگری را به اعتماد وادارد و در نتیجه این اعتماد ضرری به او وارد شود، فریب‌دهنده ضامن جبران خسارت خواهد بود.

در این چارچوب، ملاک مسئولیت تحقق فریب و ورود ضرر است و شخصیت حقیقی یا حقوقی فاعل نقش تعیین‌کننده‌ای در اصل ضمان ندارد. بنابراین اگر اقدامات یا تصمیمات یک نهاد عمومی مانند شهرداری موجب ایجاد اعتماد در شهروندان شده و در نهایت به زیان آنان منجر شود، می‌توان آن را از مصادیق غرور دانست.

۳-۲-۳. تمایز میان غرور فردی و غرور نهادی

در تحلیل مسئولیت شهرداری بر اساس قاعده غرور، می‌توان میان دو نوع وضعیت تفکیک قائل شد. نخست «غرور در سیستم» که در آن فریب ناشی از رفتار یک کارمند یا مقام اداری است؛ برای مثال زمانی که یک کارمند اطلاعات نادرست به شهروند ارائه می‌دهد.

در مقابل، «غرور ناشی از سیستم» زمانی رخ می‌دهد که ساختار اداری یا رویه‌های سازمانی شهرداری خود موجب ایجاد فریب یا گمراهی شوند؛ مانند تعارض در تصمیمات اداری، عدم شفافیت در طرح‌های شهری یا ایجاد انتظارات مشروع در شهروندان و سپس نقض آن‌ها. در این موارد، فریب نتیجه عملکرد کل ساختار اداری است و به شخص حقوقی شهرداری منتسب می‌شود.

۳-۲-۱. پل استدلالی از دیدگاه امام خمینی (ره) به مسئولیت مدنی شهرداری

امام خمینی (ره) معتقدند قاعده غرور را قاعده‌ای مستقل می‌دانند که نمی‌توان آن را تابع اتلاف، تسبیب یا لاضرر دانست. به اعتقاد ایشان، غرور به عنوان حالت روحی و اعتقادی در مغرور، پیش از ورود ضرر تحقق می‌یابد و ملاک اصلی آن صدق عرفی تغیر است، نه قصد فریب یا علم غار (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص. ۳۳۴). این دیدگاه، پل استدلالی محکمی برای تسری قاعده به شهرداری فراهم می‌کند:

اولاً، امام خمینی (ره) در مباحث حکومتی و ولایی، نهادهای عمومی را دارای اراده مستقل می‌دانند. بنابراین، تفاوتی میان غار حقیقی و غار حقوقی وجود ندارد؛ ملاک، نتیجه عرفی فعل یا ترک فعل است، نه شخصیت فاعل. ثانیاً، طبق نظر ایشان، تغیر می‌تواند از طریق فعل (اعلام طرح، صدور مجوز، وعده) یا ترک فعل (عدم اطلاع‌رسانی، سکوت در برابر انتظار مشروع) محقق شود. صدور پروانه ساختمانی برای ملکی که در طرح آینده قرار دارد یا اعلام ناقص محدوده طرح، دقیقاً مصداق تغیر مورد نظر امام است. ثالثاً، پذیرش غیرقصدی بودن غرور توسط امام، مهم‌ترین نقطه قوت برای کاربرد در نهادهای عمومی است. حتی بدون سوءنیت کارمندان یا علم آنها به محدودیت‌های آتی، اگر رویه سازمانی شهرداری موجب ایجاد اعتماد ناصحیح و ورود ضرر شود، ضمان غرور محقق است. این امر، قاعده را از محدودیت ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی (که بر تقصیر تأکید دارد) رها می‌سازد و خلأهای اتلاف و تسبیب را پوشش می‌دهد. به این ترتیب، از منظر فقه امام خمینی (ره)، شهرداری در صورت تحقق ارکان غرور (عمل خدعه‌آمیز سازمانی، ایجاد اعتماد مشروع و ورود ضرر با رابطه سببیت عرفی) ضامن جبران کامل خسارات است.

۳-۲-۴. نقش نظریه خطر در مسئولیت شهرداری

از منظر دیگری، می‌توان با استفاده از نظریه خطر نیز مسئولیت شهرداری را تحلیل کرد. بر اساس این نظریه، هر شخص یا نهادی که منبع ایجاد خطر برای دیگران باشد، مسئول جبران زیان‌های ناشی از آن است، حتی اگر تقصیر شخصی او اثبات نشود.

شهرداری به دلیل اجرای طرح‌های عمرانی گسترده، اعمال مقررات شهری و مدیریت یک نظام پیچیده اداری، به‌طور طبیعی منبعی از خطرات بالقوه برای حقوق مالکانه و منافع شهروندان محسوب می‌شود. بنابراین اگر اقدامات

یا رویه‌های اداری آن موجب گمراهی یا ورود زیان به شهروندان گردد، می‌توان با اتکا به قواعد فقهی یادشده، مسئولیت جبران خسارت را برای آن شناسایی کرد.

۴. مسئولیت مدنی شهرداری بر مبنای قاعده غرور

مسئولیت ناشی از غرور، هرچند در زمره منابع صریح ضمان قهری در حقوق ایران احصاء نشده است، اما ارکان و شرایط تحقق آن، مشابه سایر مبانی مسئولیت مدنی، می‌تواند در مواردی که زیان ناشی از فریفته شدن اشخاص باشد، راهگشای حمایت از زیان‌دیده گردد. مقصود از مسئولیت مدنی در این حوزه، تحقق حق مطالبه خسارت از سوی زیان‌دیده ناشی از غرور است.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مسئولیت مدنی شهرداری، تملک اراضی برای اجرای طرح‌های عمومی است. در این فرآیند، موارد متعددی از غرور و فریب ممکن است رخ دهد، از جمله: اعلام نادرست محدوده طرح‌های عمومی؛ صدور مجوزهای ساختمانی در اراضی مشمول طرح‌های آینده؛ عدم افشای اطلاعات مربوط به محدودیت‌های مالکیت؛ تصرف و تملک رأساً و بدون مجوز قانونی املاک؛ مخفی کردن عمدی برخی موارد یا عدم بیان روشن و دقیق قصد واقعی در توافقات با مالکان؛ تملک اراضی به بهانه اجرای طرح عمومی، درحالی‌که پس از تصرف، کاربری ملک به اموری غیرمرتبط با طرح اولیه تغییر می‌یابد؛ موافقت شهرداری با نقشه تفکیکی ارائه‌شده از سوی مالک و دریافت سهم خود، بدون تعیین دقیق میزان سهم شهرداری در آینده.

این قاعده می‌تواند مبنایی برای مسئولیت مدنی شهرداری در مواردی باشد که شهروندان با اعتماد به اقدامات یا اعلامیه‌های شهرداری دچار خسارت می‌شوند و در مواردی نیز طرح اجرایی وجود نداشته و املاک به جهت ضرورت و اجرای طرح تصرف و تملک شده و پس از تصرف تبدیل به مواردی دیگری که اصلاً ارتباطی به طرح و موارد آن نداشته می‌گردد.

در مقابل، این اقدامات در ظاهر تحت حمایت مقررات آمره همچون لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی، نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ و قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۸ قرار دارد و استیفای حقوق مالکانه را با صعوبت روبه رو می‌نماید تملک اراضی اشخاص قبل از تصویب طرح‌های عمرانی یا تملک مازاد بر اصل طرح عمرانی برای تامین هزینه‌های طرح، که در قالب ماده ۲۴ قانون نوسازی و عمران شهری حتی با مخالفت فقهای شورای نگهبان نیز روبه‌رو بوده است مصادیقی از غرور شهروندان با توسل به مقررات آمره می‌باشد.

۴-۱. مصادیق قاعده غرور در معاملات شهرداری با اشخاص

۴-۱-۱. ضمان غرور و ضمان قانونی ناشی از قبض مال غیر

در مواردی که خریدار مال غیر را از فروشنده غیرمالک دریافت کند و قبض وی ضمان آور باشد مانند عقد بیع فاسد یا قبض به عنوان سوم (در فرضی که چنین قبضی موجب ضمان عین گردد) خریدار، حتی در حالت جهل به عدم مالکیت فروشنده، مسئول رد عین یا مثل/قیمت آن به مالک اصلی است. مبنای این مسئولیت، تعهد قراردادی یا حکم شرعی ناظر به ضمان قبض است، نه فریب خوردن خریدار نسبت به مالکیت فروشنده. بنابراین، غرور در این فرض تأثیری بر ضمان خریدار ندارد، مگر آنکه ضمان وی صرفاً ناشی از فریب نسبت به مالکیت باشد و در فرض مالکیت فروشنده، هیچ ضمانی متوجه خریدار نشود. همچنین، علم یا جهل طرفین به فساد عقد، مادام که ضمان آور بودن قبض باقی باشد، تفاوتی در حکم ایجاد نمی‌کند. خریدار مکلف به رد عین (یا مثل/قیمت در صورت تلف) به مالک است و می‌تواند برای استرداد ثمن به فروشنده رجوع کند، اعم از اینکه مبلغ پرداختی به مالک بیش از ثمن باشد یا خیر. در مقابل، اگر عقد با فرض مالکیت فروشنده صحیح تلقی شود، غرور محقق است؛ زیرا خریدار با تصور تملک عین، منافع و ارزش افزوده احتمالی اقدام کرده و با کشف عدم مالکیت، تمامی این منافع از دست می‌رود. در این حالت، خریدار علاوه بر ثمن، می‌تواند خسارات دیگر (مانند هزینه‌های جانبی) را نیز از فروشنده مطالبه نماید (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، صص. ۲۲۶-۲۲۸).

شهرداری در اجرای طرح‌های عمرانی (مانند تملک اراضی برای معابر عمومی) گاهی زمین یا املاک شهروندان را بدون رعایت کامل تشریفات قانونی (مانند پرداخت بهای عادلانه پیش از تصرف یا اخذ رضایت مالک) تصرف می‌کند. اگر این تصرف بر پایه حکم قانونی (مانند ماده ۱۰ قانون نحوه خرید و تملک اراضی) ضمان آور تلقی شود، مسئولیت شهرداری مشابه ضمان قانونی خریدار در بیع فاسد است و غرور مالک (فریب نسبت به قانونی بودن تصرف) تأثیری در اصل مسئولیت شهرداری ندارد. مالک می‌تواند عین یا قیمت روز را مطالبه کند و شهرداری نمی‌تواند به جهل یا فریب مالک استناد نماید. اما اگر تصرف شهرداری بدون مجوز قانونی یا با فریب مالک (مانند وعده پرداخت آتی بدون اقدام واقعی) صورت گرفته باشد، غرور محقق شده و مالک علاوه بر قیمت عین، می‌تواند خسارات جانبی (مانند کاهش ارزش زمین، هزینه‌های دادرسی یا منافع از دست رفته) را بر پایه قاعده غرور مطالبه کند.

۴-۱-۲. فروش مال مغضوب به مالک اصلی

در فروش مال مغضوب به مالک اصلی، برخی فقها قائل‌اند که مالک نمی‌تواند نسبت به بخشی از ثمن که معادل قیمت مال است به غاصب رجوع کند، زیرا این بخش در ذمه غاصب بوده و با پرداخت ثمن، مالک عملاً مال خود را بازستانده است. بخش مازاد بر ثمن نیز محل تردید است، به دلیل شک در تسلیم کامل مال به مالک (همان، ص. ۲۳۶).

در مواردی که شهرداری زمینی را که پیش‌تر به طور غیرقانونی تصرف کرده، مجدداً به مالک اصلی «می‌فروشد» یا در قالب توافق، ثمن دریافت می‌کند، مشابهت با این فرض وجود دارد. مالک نمی‌تواند بخشی از مبلغ پرداختی

را که معادل ارزش زمین است بازپس گیرد، زیرا عملاً مال خود را تملک کرده است. اما مازاد احتمالی (مانند جریمه تأخیر یا خسارات جانبی) محل تردید بوده و دادگاه‌ها معمولاً با احتیاط و بر پایه قاعده لاضرر یا غرور، مسئولیت شهرداری را در جبران مازاد تأیید می‌کنند.

۴-۱-۳. غیرقابل استفاده بودن کالا و تأثیر غرور

در خرید کالای فاسد که پس از انتقال معلوم شود غیرقابل استفاده است، دو دیدگاه وجود دارد: بطلان عقد از ابتدا یا انفساخ از زمان کشف فساد. در دیدگاه اول، هزینه‌های حمل و نقل بر عهده فروشنده است؛ در دیدگاه دوم، بر عهده خریدار (به عنوان مالک ظاهری پیش از کشف). برخی فقها در دیدگاه اول اشکال کرده‌اند که نمی‌توان خریدار را مشابه مغرور در بیع مال غیر دانست، زیرا در اینجا غروری نسبت به کیفیت کالا رخ نداده و هر دو طرف در جهل مشترک بوده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، صص. ۲۷۸-۲۷۹) این تحلیل به ویژه در کالاهایی که امتحان آن‌ها موجب تلف می‌شود صادق است. همچنین، با توجه به عدم مالیت مبیع در این فرض، اساساً عقد بیع از ابتدا باطل بوده زیرا موضوع معامله چنین قابلیت را دارا نبوده است (صفری، ۱۳۷۷، ص. ۱۹۲).

شهرداری گاهی در توافقات با شهروندان املاکی را با کاربری خاص به آنها واگذار می‌نماید که پس از انجام توافق و تملک ملک توسط شهرداری، و مراجعه شهروند جهت اخذ پروانه ساختمانی برای احداث ساختمان غیرقابل استفاده بودن آن معلوم می‌شود (بطور مثال ملک معوض در طرح دیگر شهرداری واقع شده و امکان احداث بنا و استفاده برای مالک وجود نخواهد داشت). شهرداری در زمان فروش یا واگذاری زمین یا اعطای امتیازات، ممکن است اطلاعاتی درباره کاربری آتی زمین یا طرح‌های توسعه ارائه دهد که مغایر با واقع باشد. اگر شهروند با تکیه بر این اطلاعات اقدام به معامله یا احداث بنا کند. در این فرض نمی‌توان شهروند را مغرور دانست مگر آنکه شهرداری با تبلیغات یا تضمین‌های خلاف واقع، وی را فریب داده باشد که در این صورت شهرداری فریب‌دهنده (غار) محسوب می‌شود و در غیر این صورت، جهل مشترک مانع استناد به غرور می‌شود و مسئولیت شهرداری بر پایه قواعد عام مسئولیت مدنی (مانند ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی) یا تسبیب بررسی می‌گردد.

۴-۱-۴. فریب در تعلق مال به غیر و مصادیق خسارات قابل رجوع

در بیع فضولی، مالک می‌تواند معامله را رد کند و خریدار جاهل (مغرور از ظاهر تصرفات فروشنده) حق رجوع به فروشنده را دارد، نه تنها برای ثمن، بلکه برای خسارات جانبی به نفع مالک مانند اجرت‌المثل، تحقق غرور منوط به قصد فریب نیست؛ جهل خریدار یا ادعای معتبر اذن از سوی فروشنده کافی است. در خصوص منافع انتفاعی خریدار، مشهور قائل به جبران آن‌هاست، زیرا خریدار با تصور مجانی بودن، از مال منتفع شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، صص. ۳۰۰-۳۰۱).

شهرداری گاه به عنوان فروشنده فضولی عمل می‌کند؛ مثلاً زمین‌های دولتی یا معابر را بدون مجوز کامل به شهروندان می‌فروشد یا اجازه ساخت می‌دهد. اگر مالک اصلی (دولت یا اشخاص ثالث) معامله را رد کند، شهروند خریدار جاهل می‌تواند بر پایه قاعده غرور، نه تنها ثمن، بلکه تمامی هزینه‌های بهره‌برداری زمین (بنای احداثی، درختکاری، حفر چاه، تأسیسات) و منافع از دست رفته را از شهرداری مطالبه کند، حتی بدون اثبات قصد فریب شهرداری. این مسئولیت گسترده، در رویه قضایی ایران (مانند آرای دیوان عدالت اداری در دعاوی تملک غیرقانونی) مورد تأیید قرار گرفته و شهرداری را مکلف به جبران کامل خسارات مغرور می‌نماید، مشابه شخصی که با فریب ظاهری، از مال غیر منتفع شده است.

۴-۱-۵. صدور مجوزهای غیرواقعی

هنگامی که شهرداری برای ملکی که در محدوده طرح‌های عمومی آینده قرار دارد، پروانه ساختمانی صادر می‌کند، مالک با اعتماد به این مجوز، اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نماید. در صورت تملک بعدی ملک توسط شهرداری، مالک دچار خسارت می‌شود. در این مورد، شهرداری به عنوان غار مسئول جبران خسارت خواهد بود. با توجه به دیدگاه امام خمینی (ره) مبنی بر غیرقصدی بودن غرور، حتی اگر کارمندان شهرداری از محدودیت آتی ملک اطلاع نداشته باشند، صرف صدور مجوز خلاف واقع که موجب اعتماد مالک شود، مسئولیت شهرداری را ایجاد می‌کند، مگر آنکه تقصیر در عدم اطلاع وجود نداشته باشد.

۴-۱-۶. اعلام طرح بدون مشارکت واقعی شهروندان (فریب از طریق اطلاع‌رسانی ناقص)

طرح‌ها در کمیسیون ماده ۵ بدون جلب نظر عمومی تصویب می‌شوند و اعلام رسمی تنها پس از قطعیت صورت می‌گیرد. اگر شهرداری با اعلام طرح، مالک را به این تصور وادارد (غرور ایجاد کند) که طرح به نفع اوست یا ارزش ملک حفظ می‌شود، اما در عمل باعث محدودیت طولانی مدت (بدون اجرا در مهلت) یا کاهش ارزش املاک مجاور شود، شهرداری به عنوان غار مسئول است. مثلاً، مالک ممکن است بر اساس اعلام، از فروش یا توسعه ملک خودداری کند (عمل مغرورانه) و زیان ببیند. این با قاعده غرور همخوانی دارد، زیرا فریب (غرور) می‌تواند از سکوت یا اطلاعات ناقص ناشی شود، و مسئولیت مدنی شهرداری را بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی قابلیت اعمال قاعده غرور در مسئولیت مدنی شهرداری و با رویکردی متمرکز بر دیدگاه امام خمینی(ره) انجام شد. یافته‌های پژوهش فرضیه مذکور را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که قاعده غرور، مستقل از قواعد لازمه، اتلاف و تسبیب، می‌تواند مبنایی کارآمد برای جبران خسارات ناشی از فریب شهروندان توسط شهرداری باشد.

۱. تحلیل ارکان قاعده غرور در مسئولیت شهرداری: بررسی عناصر سه‌گانه قاعده غرور (عمل خدعه‌آمیز، ورود ضرر و رابطه سببیت) نشان داد که در مصادیقی چون صدور مجوزهای غیرواقعی، اعلام نادرست محدوده طرح‌های عمومی و تصرفات بدون مجوز، هر سه رکن قابل احراز است. از منظر امام خمینی(ره) که غرور را قاعده‌ای مستقل و غیرقصودی می‌داند، برای تحقق ضمان شهرداری، نیازی به اثبات سوءنیت یا قصد فریب کارمندان نیست؛ بلکه صرف احراز فریب عرفی و ضرر وارده، مسئولیت را ایجاد می‌کند. این دیدگاه، برخلاف ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی که اثبات تقصیر را شرط دانسته، حمایت مؤثرتری از شهروندان به عمل می‌آورد.

۲. تفکیک غرور سیستمی از غرور در سیستم: یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش، ضرورت تمایز میان دو نوع غرور در مسئولیت شهرداری است. «غرور در سیستم» ناظر به مواردی است که خطای فردی کارمند (مانند ارائه اطلاعات نادرست) موجب فریب شهروند می‌شود. در مقابل، «غرور سیستمی» ناشی از ساختار، رویه‌ها و تصمیمات خود سازمان است؛ مانند تعارض در ضوابط اداری، عدم شفافیت در مقررات طرح‌های عمومی یا ایجاد انتظارات مشروع از طریق اعلامیه‌های رسمی. در غرور سیستمی، فریب به شخص حقیقی خاصی قابل انتساب نیست و مسئولیت مستقیماً متوجه شخص حقوقی شهرداری است. این تفکیک در تحلیل‌های پیشین مورد غفلت قرار گرفته بود، اما در تعیین قلمرو مسئولیت شهرداری نقشی تعیین‌کننده دارد.

۳. تسری قاعده غرور به شخص حقوقی: با پذیرش دیدگاه امام خمینی(ره) مبنی بر عدم اعتبار قصد فریب در تحقق غرور، مانع اصلی برای تسری قاعده به نهادهای عمومی برطرف می‌شود. از آنجا که ملاک مسئولیت، نتیجه فریب‌آمیز فعل یا ترک فعل است نه قصد فاعل، شخص حقوقی شهرداری نیز می‌تواند در صورت تحقق سایر ارکان، در حکم غار محسوب شود. قاعده الخراج بالضمنان نیز مؤید این رویکرد است و بر ضرورت جبران خسارات ناشی از اقدامات عمومی تأکید دارد.

در مجموع، قاعده غرور با ظرفیت‌های فقهی خود، به ویژه با تفسیر غیرقصودی امام خمینی(ره)، می‌تواند خلأهای قواعد سنتی مسئولیت مدنی در حوزه شهرداری را پوشش دهد و مبنایی عادلانه برای حمایت از حقوق مالکانه شهروندان فراهم آورد. پیشنهاد می‌شود قانونگذار در بازنگری مقررات مربوط به مسئولیت مدنی شهرداری، به ویژه

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و قوانین تملک اراضی، قاعده غرور را به عنوان مبنایی مستقل برای جبران خسارات ناشی از فریب مورد توجه قرار دهد.

ویراستاری نشده

فهرست منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۶). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی، موسسه التاريخ العربی.
- الاتاسی، محمد خالد (۱۹۳۱). شرح المجله. حمص: دار عالم الكتب.
- ادیب، حسین، مظاهری کوهانستانی، رسول، الشریف، محمد مهدی و جلالی، محمود (۱۳۹۹). تحدید مالکیت خصوصی در اجرای طرح های عمومی و جبران خسارات ناشی از آن در نظام حقوقی ایران و انگلستان. پژوهش حقوق خصوصی، ۹(۳۳)، ۳۷-۹. <https://doi.org/10.22054/jplr.2021.47148.2298>
- اسدی، بهنام (۱۳۹۹). بررسی موانع استناد به قاعده غرور و تحلیلی بر دلایل و مبانی اعتبار قاعده غرور. تحقیقات حقوق قضایی، ۱(۱)، ۳۴۰-۳۱۱.
- اصفهانی، راغب (۱۴۱۲ق). مفردات لالفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۹۲). البیع. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- امام خمینی، روح الله (۱۳۹۲). المکاسب المحرمه. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- امامی، سید حسن (۱۳۹۰). حقوق مدنی. تهران: اسلامیه.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات. قم: نشریه کنگره جهانی.
- بهشتیان، سید محسن (۱۳۹۰). تملک اراضی توسط شهرداری ها. تهران: انتشارات مجد.
- حسینی مراغی، سید میر فتح (۱۴۱۷ق). العناوین الفقہیہ. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- دهقان دهنوی، نادر، سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۷). تحلیل حقوقی قاعده ضمان غرور با نگاهی به حقوق انگلیس. نشریه پژوهش های حقوقی قانون یار. ۱(۴)، ۷. magiran.com/p1944953
- دیلمی، احمد (۱۳۸۹). حسن نیت در مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان.
- رحمانی، محمد (۱۳۷۶). قواعد فقهی قاعده غرور. نشریه فقه اهل بیت. ۱(۱۰)، ۲۰۲-۱۶۸.
- رهبر، مهدی و سعادت، صالح (۱۳۸۸). بررسی قاعده تسبیب با رویکردی بر آرای امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۱(۴۵)، ۷۹-۱۰۳. [20.1001.1.24236462.1388.11.45.5.3](https://doi.org/10.22054/jplr.2021.47148.2298)
- زرگوش، مشتاق (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی دولت. تهران: نشر میزان.

زیرک باروقی، اصغر (۱۳۹۵). رویکرد امام خمینی(ره) در قاعده «الخراج بالضمنان» و کارکرد آن در اثبات مسئولیت مدنی دولت. فصل نامه علمی-پژوهشی حکومت اسلامی، ۲۱ (۲)، ۱۵۸-۱۳۹.

سرخره، عبدالله (۱۴۰۱). اصول و مبانی کلی اعتبار قاعده غرور. فصل نامه علمی رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی، ۴ (۱۱)، ۶۲-۳۳.

سعادت، صالح و علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل (۱۳۹۸). مسئولیت مدنی برهم زدن نامزدی بر مبنای قاعده غرور با رویکردی بر آرای امام خمینی(س). پژوهشنامه متین، ۲۱ (۸۲)، ۶۳-۸۲.

[20.1001.1.24236462.1398.21.82.4.6](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1398.21.82.4.6)

شکری، طاهره، زارع، علی (۱۳۹۵). مسوولیت مدنی شهرداری در برابر شهروندان. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست). ۱۲ (۲۹)، ۱۱-۲۲. <https://sid.ir/paper/127787/fa>

شهابی، محمود (۱۳۴۱). قواعد فقه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۲۷ق). الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه. قم: دار التفسیر.

صفری، محسن (۱۳۷۷). فریبکاری و آثار آن. تهران: نشر دادگستر.

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۷۰). حاشیه المکاسب. قم: ناشر اسماعیلیان.

عسکری، ابوهلال (۱۳۵۳). الفروق اللغویه. قم: بصیرتی.

غمامی، سید محمد مهدی، حیدری، وحید (۱۳۹۹). اصول و سازوکارهای قانونی تملک قهری جهت اجرای طرح های عمومی. فصلنامه رای. ۹ (۳۰)، ۶۵-۷۶. <https://doi.org/10.22106/jcr.2020.115627.1282>

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). الزام های خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۷). قواعد فقه: بخش مدنی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد. قم: موسسه آل البيت(ع).

محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۵). قواعد فقه. تهران: نشر میزان.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸). القواعد الفقهیة. قم: دار العلم.

موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۹). قواعد فقه. تهران: نشر عروج.

میرهاشمی، زهراسادات (۱۳۹۱). قاعده غرور و تدلیس در پرتو وحدت قواعد مسئولیت (برگرفته از نظر امام خمینی(س) در کتاب البیع). پژوهشنامه متین. ۱۴(۵۷)، ۱۶۳-۱۵۳.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24236462.1391.14.57.7.0>

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

یوسفی طهارم، میثم، رجب زاده اصطهباناتی، علیرضا، عسگرخانی، ابومحمد (۱۴۰۰). مسئولیت مدنی شهرداری ناشی از عدم انجام وظایف و تکالیف قانونی. مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی. ۱ (۱۵)، ۴۱۶-۳۹۷.

<http://ijmedicallaw.ir/article-1-1397-fa.html>

References

- Ibn Manzur, Muhammad bin Mukarram. (1996). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Muassasa al-Tarikh al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Atasi, Muhammad Khalid. (1931). *Sharh al-Majalla*. Homs: Dar Alam al-Kutub. [In Arabic]
- Adib, Hossein, Mazahri Kohanestani, Rasoul, Al-Sharif, Mohammad Mehdi, & Jalali, Mahmoud. (2020). Restriction of Private Property in the Implementation of Public Projects and Compensation for Damages Resulting Therefrom in the Legal Systems of Iran and England. *Private Law Research*, 9(33), 9-37. <https://doi.org/10.22054/jplr.2021.47148.2298> [In Persian]
- Asadi, Behnam. (2020). Examining the Obstacles to Invoking the Rule of Ghurur and an Analysis of the Reasons and Foundations of the Validity of the Rule of Ghurur. *Judicial Law Research*, 1(1), 311-340. [In Persian]
- Isfahani, Raghieb. (1991 AH). *Mufradat Alfaz al-Quran*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Imam Khomeini, Ruhollah. (2013). *Al-Bay'*. Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Imam Khomeini, Ruhollah. (2013). *Al-Makasib al-Muharrama*. Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Emami, Seyed Hassan. (2011). *Civil Law*. Tehran: Islamiyeh. [In Persian]
- Ansari, Morteza bin Muhammad Amin. (1994 AH). *Al-Makasib al-Muharrama wa al-Bay' wa al-Khiyarat*. Qom: Congress Publication. [In Arabic]
- Beheshtian, Seyed Mohsen. (2011). *Land Acquisition by Municipalities*. Tehran: Majd Publications. [In Persian]

- Hosseini Maraghi, Seyed Mir Fattah. (1996 AH). *Al-Anawin al-Fiqhiyya*. Qom: Office of Islamic Publications Affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
- Dehghan Dehnavi, Nader, & Soltani, Mohammad Reza. (2018). Legal Analysis of the Rule of Liability for Ghurur with a Look at English Law. *Qanun Yar Legal Research Journal*, 1(4), 7. magiran.com/p1944953 [In Persian]
- Dailami, Ahmad. (2010). *Good Faith in Civil Liability*. Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
- Rahmani, Mohammad. (1997). Jurisprudential Rules of the Rule of Ghurur. *Fiqh Ahl al-Bayt Journal*, 1(10), 168-202. [In Persian]
- Rahbar, Mehdi, & Saadat, Saleh. (2009). Examining the Rule of Tasbib with an Approach to the Views of Imam Khomeini (AS). *Matin Research Letter*, 11(45), 79-103. <https://doi.org/10.1001.1.24236462.1388.11.45.5.3> [In Persian]
- Zargoush, Moshtaq. (2010). *Civil Liability of the Government*. Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
- Zirk Baroughi, Asghar. (2016). Imam Khomeini's (RA) Approach to the Rule of "al-Kharaj bi al-Daman" and Its Function in Proving the Civil Liability of the Government. *Journal of Islamic Government*, 21(2), 139-158. [In Persian]
- Sarkheh, Abdullah. (2022). Principles and General Foundations of the Validity of the Rule of Ghurur. *Journal of New Approaches in Islamic Studies*, 4(11), 33-62. [In Persian]
- Saadat, Saleh, & Alishahi Ghaleh Joqi, Abolfazl. (2019). Civil Liability for Breaking an Engagement Based on the Rule of Ghurur with an Approach to the Views of Imam Khomeini (AS). *Matin Research Letter*, 21(82), 63-82. <https://doi.org/10.1001.1.24236462.1398.21.82.4.6> [In Persian]
- Shokri, Tahereh, & Zare, Ali. (2016). Civil Liability of the Municipality towards Citizens. *Private and Criminal Law Research (Encyclopedia of Law and Policy)*, 12(29), 11-22. <https://sid.ir/paper/127787/fa> [In Persian]
- Shahabi, Mahmoud. (1962). *Qawa'id al-Fiqh*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Shahid Thani, Zayn al-Din bin Ali. (2006 AH). *Al-Rawda al-Bahiyya fi Sharh al-Lum'a al-Dimashqiyya*. Qom: Dar al-Tafsir. [In Arabic]
- Safari, Mohsen. (1998). *Deception and Its Effects*. Tehran: Dadgostar Publications. [In Persian]
- Tabatabai Yazdi, Seyed Mohammad Kazem. (1991). *Hashiya al-Makasib*. Qom: Isma'iliyan Publications. [In Arabic]
- Askari, Abu Hilal. (1974). *Al-Furuq al-Lughawiyya*. Qom: Basirati. [In Arabic]
- Ghamami, Seyed Mohammad Mehdi, & Heydari, Vahid. (2020). Principles and Legal Mechanisms of Compulsory Expropriation for the Implementation of Public

Projects. *Ray Journal*, 9(30), 65-76. <https://doi.org/10.22106/jcr.2020.115627.1282> [In Persian]

- Katouzian, Nasser. (2011). *Extra-Contractual Obligations: Civil Liability*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa. (2018). *Jurisprudential Rules: Civil Section*. Tehran: Center for the Publication of Islamic Sciences. [In Persian]
- Mohaghegh Karki, Ali bin Hussein. (1993 AH). *Jame' al-Maqasid*. Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Mohammadi, Abolhassan. (2006). *Jurisprudential Rules*. Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser. (1989). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyya*. Qom: Dar al-Ilm. [In Persian]
- Mousavi Bojnourdi, Seyed Mohammad. (2000). *Jurisprudential Rules*. Tehran: Oruj Publications. [In Persian]
- Mirehashmi, Zahra Sadat. (2012). The Rule of Ghurur and Tadlis in the Light of the Unity of Liability Rules (Derived from Imam Khomeini's View in the Book al-Bay'). *Matin Research Letter*, 14(57), 153-163. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24236462.1391.14.57.7.0> [In Persian]
- Najafi, Mohammad Hassan. (1983 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharayi' al-Islam*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Yousefi Taharami, Meysam, Rajabzadeh Astehbanaati, Alireza, & Asgarkhani, Abu Mohammad. (2021). Civil Liability of the Municipality Arising from Failure to Perform Legal Duties and Obligations. *Scientific-Research Journal of Medical Law*, 1(15), 397-416. <http://ijmedicallaw.ir/article-1-1397-fa.html> [In Persian]